

صدای جوانان همه قاره‌ها

مجله ما یک پرسشنامه تحقیقاتی برای باشگاههای یونسکو، سازمانهای غیر دولتی، مدارس وابسته و همچنین نهادها و انجمنهای متعدد در سراسر جهان ارسال نموده تا از دختران و پسران جوان مستقیماً درباره عقاید، آرزوها و نگرانیهای آنان سؤال کند. ما از ۴۱ کشور و سرزمین که کلیه قاره‌ها را در بر می‌گیرند ۱۰۵۰ پاسخ دریافت کرده‌ایم: از اتریش، آرژانتین، بنگلادش، بلژیک، دانمارک، مصر، اکوادور، اسپانیا، امریکا، فرانسه، گابون، غنا، گرنادا، هنگ کنگ، مجارستان، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، کنیا، لبنان، مالزی، مالی، مالت، موریس، مکزیک، نیجریه، نروژ، زلاندنو، پاکستان، پاناما، فیلیپین، پورتوریکو، جمهوری فدرال آلمان، انگلستان، سوئیس، چاد، چکسلواکی، تونس، زئیر، زامبیا، زیمبابوه.

۱. در حال حاضر چه مسئله‌ای می‌تواند موجب اتفاق رأی جوانان شود؟
۲. به نظر شما، از مسائل زیر کدام یک مهمترند؟ پول، آینده، آموزش جنسی، تحصیلات و راهنمایی، تفریحات، کار، مد، سیاست، مسائل بین‌المللی، مسائل اجتماعی، پیشرفتهای علم و فن، روابط با بزرگسالان، روابط جوانان با یکدیگر، ارزشهای اخلاقی.

۳. مسائل بین‌المللی. از مسائل بین‌المللی زیر کدام یک به نظر شما اولویت دارند و چرا؟ کمک به کشورهای در حال توسعه، تمایل به آشنایی با جوانان سایر کشورها، انهدام زرادخانه هسته‌ای، از بین بردن نژادپرستی، مبارزه با گرسنگی، ضرورت تماس با دیگر کشورها، جنگ و صلح در جهان، نزدیکی ملتها با یکدیگر.

۴. سیاست. واژه «سیاست» چه مفهومی برای شما دارد؟ آیا حاضرید در امور عامه سهیم باشید؟ چگونه؟

۵. تحصیلات و راهنمایی. آیا به نظر شما می‌توان راه حلی برای بیسوادی در جهان، عمومیت کردن آموزش، راهنمایی تحصیلی و شغلی یافت.

۶. آینده. نقش و مقام شما در جامعه کنونی چیست؟ این جامعه چه چیزی به شما عرضه می‌کند؟ نظر شما درباره استعداد و آینده چیست؟ چه آینده‌ای برای تحصیل نکرده‌ها وجود دارد؟

۷. آموزش جنسی. با آموزش جنسی مخالفید یا موافق؟ این آموزش در خانواده باید داده شود یا در مدرسه؟

۸. پول. بزرگسالان شما را به خاطر ندانستن قدر پول سرزنش می‌کنند. در این باره چه نظری دارید؟ آیا شما فقط یک مصرف‌کننده‌اید یا تولید هم می‌کنید؟

۹. روابط جوانان با یکدیگر. آیا در تماسهای خود با سایر جوانان به مشکلات مادی یا روانی برخورد می‌کنید؟

آیا ضرورتی برای وجود یک خانه جوانان که بتوانید در آن دور هم جمع شده و در فعالیتهای مورد علاقه خود شرکت کنید، احساس می‌کنید؟ آیا نیازی به راهنمایی شدن توسط مربیان احساس می‌کنید؟

۱۰. شغل. از شغل خود چه انتظاری دارید؟ آیا شغل شما مانعی در راه شکوفایی شماست؟ کار می‌کنید یا بیکار هستید؟ آیا حتی قبل از اینکه کار کرده باشید احساس بیکاری می‌کنید؟

۱۱. روابط با بزرگسالان. وقتی اقتدار خانوادگی از میان برود چه چیز بر جای می‌ماند؟ آیا خانواده از لحاظ ابعاد و نقش آن کوچک شده است؟ عواقب این امر برای بزرگسالان چیست؟

۱۲. مسائل اجتماعی. به نظر شما مسائل اجتماعی، مسائل بزرگسالان هستند یا اینکه آنها را جزو مسائل مربوط به خود می‌دانید؟ اگر جواب شما مثبت است، به چه مسئله‌ای اولویت می‌دهید؟ بزهکاری، اعتیاد، برابری زن و مرد، ناسازگاری کودکان، جوانان روستایی، مسکن، سالخوردگان، مسائل انسانی، روابط پروتاریا و بورژوازی.

۱۳. پیشرفتهای علم و فن. درباره کاربرد پیشرفتهای علمی و فنی در دنیای کنونی چه نظری دارید؟

۱۴. تفریحات. تفریحات مورد علاقه شما کدامند؟ هنر، مطالعه، سینما یا تلویزیون، ورزش. تفریحات خود را انفرادی انجام می‌دهید یا گروهی؟

۱۵. مد. آیا مد به معنای همراهی با زمانه است؟ آیا مد به معنای «همرنگی با مردم» است؟ آیا مد گونه‌ای از پیشرفت است؟

۱۶. غالباً می‌گویند که جوانان اندیشه‌ای ندارند، تنها آرزوهایی در سر می‌پرورانند. نظر شما چیست؟



Photo © APN, Moscow

بی تردید، ماهیت سؤالات مطرح شده تا حد زیادی نظرسنجی را از پیش مشخص می‌سازد. ما بدون توجه به ویژگیهای خاص هر کشور که تفاوتی عمده‌ای را در سلسله مراتب مسائل به وجود می‌آوردند، به یک مطالعه «کلی» دست زده ایم که ۱۰۰۰ پاسخ را در بر می‌گیرد. به عنوان نمونه، جوانان کشورهای سوسیالیست می‌گویند که در کشورهای آنها بیکاری وجود ندارد و از لحاظ کار، افراد غیر تحصیل کرده از حقوق مساوی با تحصیل کرده‌ها برخوردارند. این امر الزاماً خیلی از پاسخهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله موضعگیری جمعی به نفع صلح (در پاسخ به سؤال اول)، حال آنکه سایر جوانان اروپایی خصوصاً از مشکلات مربوط به شغل، بیکاری و آینده‌نگرانی دارند. تحلیل پاسخها به نتایج زیر منجر می‌گردد.

۱ - در حال حاضر چه مسئله‌ای می‌تواند موجب اتفاق رأی جوانان شود؟ بسیاری به این سؤال جواب نداده‌اند. از آنها که جواب داده‌اند، ۵۰٪ مسائل جنگ و صلح، ۳۰٪ اشتغال و بیکاری، ۱۰٪ آینده و ۱۰٪ هم مسائل مختلف دیگر نظیر اعتیاد، گرسنگی و کیفیت زندگی را برگزیده‌اند.

۲ - به نظر شما از مسائل زیر کدام یک مهم‌ترند؟ پول، آینده، آموزش جنسی، تحصیلات و راهنمایی، تفریحات، کار، مُد، سیاست، مسائل بین‌المللی، مسائل اجتماعی، پیشرفتهای علم و فن، روابط با بزرگسالان، روابط جوانان با یکدیگر، ارزشهای اخلاقی.

مسئله‌ای که به کرات دارای اولویت تلقی شده، مسئله آینده است (۵۷٪). صحبت از یک تصویر مبهم نیست؛ موضوع آینده خود آنها مطرح است، آینده جوانان. در وهله دوم، مسئله‌ای مطرح می‌شود که مستقیماً با آن رابطه دارد: تحصیلات و به دنبال آن، ارزشهای اخلاقی، مسائل اجتماعی و پول. روابط جوانان با یکدیگر، پیشرفت، سیاست، روابط با بزرگسالان، آموزش جنسی و مد آخر سر می‌آیند. نتایج دقیق پاسخهای این سؤال، اولیوی را که در پاسخ به سؤال اول به مسائل جنگ و صلح داده شده مورد تردید قرار می‌دهد.

۳ - مسائل بین‌المللی. از مسائل بین‌المللی زیر کدام یک به نظر شما اولویت دارند و چرا؟ کمک به کشورهای در حال توسعه، تمایل به آشنایی با جوانان سایر کشورها، انهدام زرادخانه هسته‌ای، خاتمه بخشیدن به نژادپرستی، مبارزه با گرسنگی، ضرورت تماس با دیگر کشورها، جنگ و صلح در جهان، نزدیکی ملتها با یکدیگر. در این مورد، جنگ و صلح ۸۵٪ آراء را به دست می‌آورند. مبارزه با گرسنگی، از بین بردن زرادخانه هسته‌ای، خاتمه بخشیدن به نژادپرستی و کمک به کشورهای در حال توسعه در وهله بعد قرار داشته و انتخاب اول را تعیین می‌کنند. ولی علاقه به آشنایی با جوانان دیگر کشورها و ضرورت تماس و نزدیکی ملتها با یکدیگر آشکارا غریبی به نظر می‌رسند.

۴ - سیاست. واژه «سیاست» چه مفهومی برای شما دارد؟ آیا حاضرید در امور عامه سهیم باشید؟ چگونه؟

به نظر می‌رسد که سیاست علاقه چندانی بر نمی‌انگیزد، ۳۰٪ از جوانان از پاسخ به این سؤال خودداری می‌کنند و از هر هزار نفر آنها فقط دو نفر می‌گویند که یک عقیده سیاسی حقیقی دارند. ۲۵٪ آنان سیاست را بی‌بهره و حتی خطرناک تشخیص می‌دهند، ۲۱٪ فکر می‌کنند که سیاست حاصل یک مکتب عقیدتی است، بدون آنکه مشخص کنند کدام مکتب، ۱۶٪ تعریفی قبالی از سیاست ارائه می‌دهند، ۲٪ از چیزهای دیگر صحبت می‌کنند و فقط ۷٪ آنان فکر می‌کنند که سیاست می‌تواند مفید باشد.

احتمال شرکت در امور عامه و اکتشافی با معناتری را ایجاد می‌کنند: ۵۰٪ از پاسخ دادن امتناع می‌ورزند، ۱۷٪ بصراحت می‌گویند خیر و ۳۳٪ به طرز کاملاً صریح با یک «بله، اما...» جواب می‌دهند. بله، آنان می‌خواهند شرکت کنند اما از طریق آموزش، کمک به افراد یا کشورها، فعالیتهای پزشکی و اجتماعی، رأی دادن و میل به «بازسازی».

۵ - تحصیلات و راهنمایی. آیا به نظر شما می‌توان راه حلی برای بیسوادی در جهان، عمومیت کردن آموزش، راهنمایی تحصیلی و شغلی یافت؟

جوانان فکر می‌کنند که یافتن راه حل برای این مسائل امکانپذیر است. اما به نظر آنان چاره‌اندیشی برای بیسوادی و تسریع عمومیت کردن آموزش ساده‌تر از حل مسائل راهنمایی تحصیلی و خصوصاً شغلی است. آنان غالباً این مسائل را به بزرگترها واگذار می‌کنند.

۶ - آینده. نقش و مقام شما در جامعه کنونی چیست؟ این جامعه چه چیزی به شما عرضه می‌کند؟ نظر شما درباره استفاده و آینده چیست؟ چه آینده‌ای برای تحصیل نکرده‌ها وجود دارد؟

بسیاری از پاسخ به این سؤال امتناع ورزیده‌اند. برخی، پاسخهای طولانی داده و نگرانیها و امیدهای خود را در قبال آینده تشریح کرده‌اند. در مورد قسمت اول سؤال، ۹۰٪ فکر می‌کنند که جای شایسته خود یعنی محصل یا دانشجو را در جامعه اشغال می‌کنند؛ برخی حتی تا حد تصریح اینکه «به خرج والدین خود» زندگی می‌کنند، پیش می‌روند. به نکته دوم سؤال فقط اندکی بیش از ۵۰٪ جوانان جواب داده‌اند. ۴۰٪ از آنان فکر می‌کنند که جامعه به آنان نوعی کمک، حمایت معنوی و وسیله ادامه تحصیل می‌دهد، ۴۰٪ دیگر برعکس معتقدند که جامعه منشأ گرفتاریهای آنهاست. ۱۰٪ فکر می‌کنند که جامعه کمی به آنها کمک می‌کند یا اصلاً کمک نمی‌کند و ۱۰٪ نیز به امیدوار بودن اکتفا می‌کنند. واژه استفاده به دفعات غیر واقع‌بینانه یا ناشی از عقابندی که امروزه بی اعتبارند، توصیف شده است.

در مورد نکته سوم، ۷۱٪ جوانان پاسخ داده‌اند که آینده افراد تحصیل نکرده بسیار متزلزل است، ۱۰٪ فکر می‌کنند که آینده‌ای برای آنها وجود ندارد و ۶٪ هم فکر می‌کنند که برای آنان تنها دشوارترین و سخت‌انگیزترین کارها باقی می‌ماند.

۷ - آموزش جنسی. با آموزش جنسی مخالفید یا موافق؟ این آموزش در خانواده باید داده شود یا در مدرسه؟

فقط ۱۰٪ از پاسخ‌دادن به این سؤال امتناع کرده‌اند. این امتناع و بخش قابل توجهی از پاسخهای منفی را باید بی تردید به حساب منهیات مذهبی یا فرهنگی گذاشت. ۸۸٪ جوانان موافق آموزش جنسی و فقط ۱۲٪ ایشان با آن مخالفند. ۱۹٪ جوانان می‌ایند که این آموزش از طریق خانواده داده شود، ۱۳٪ از طریق مدرسه و ۴۶٪ از طریق مدرسه و خانواده. بقیه می‌ایند که این آموزش در جای دیگری داده شود، بدون تصریح بیشتر.

۸ - پول. بزرگسالان شما را به خاطر ندانستن قدر پول سوزن می‌کنند. در این باره چه نظری دارید؟ آیا شما فقط یک مصرف‌کننده‌اید یا تولید هم می‌کنید؟ ۳۸٪ جوانان قبول دارند که قدر پول را نمی‌دانند. ۴۳٪ برعکس معتقدند که این سوزن غیر موجه است و آنان خیلی خوب قدر پول را می‌دانند چرا که پول در آوردن را



از تمام مسائل بین‌المللی، مسئله صلح در جهان در ردیف اول اشتغالات ذهنی جوانان معاصر قرار دارد. همان گونه که این صدها بیکره کبوتری که توسط جامعه شرکت کنندگان در یازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، منعقد در هاوانا (کوبا) در ژوئیه - اوت ۱۹۷۸، به اهتزاز درآمده‌اند، نشان می‌دهند. این تظاهرات از سوی فدراسیون جهانی جوانان دموکراتیک، نهضتی که بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم به منظور «مبارزه برای وحدت جوانان و یک صلح عادلانه و پایدار» بنیاد گذاشته شد و امروزه ۲۷۰ سازمان جوانان ۱۱۲ کشور را گرد هم آورده، ترتیب داده شده است. دوازدهمین جشنواره که با سال بین‌المللی جوانان مصادف می‌گردد، در تابستان ۱۹۸۵ در مسکو تشکیل خواهد شد.

مسئله آینده جوانان که در ایشان امیدها و در عین حال نگرانی‌های برمی‌انگیزد، جوانان را بدون استثنا به بررسی تحصیلات خود می‌کشاند. آنان متفق‌الرأیند که نداشتن مدرک تحصیلی یک نقص بزرگ است. در تصویر زیر، آموزش لاتین به وسیله کامپیوتر در دبیرستان امیر در لیون فرانسه تجربه می‌شود.



Photo Dominique Roger, Unesco

یاد گرفته‌اند. برخی می‌اندیشند که این سرزنش کمابیش موجه است ولی بزرگسالان خود نیز وقتی به سن آنان بودند، واقعیت پول را بهتر از آنان نمی‌دانستند. برخی (بسیار معدود) فکر می‌کنند که قدر پول را نمی‌دانند چرا که بیش از حد پول دارند و نتیجتاً به ولخرجی کشیده می‌شوند. ۷۳٪ - علی‌رغم میل خویش - خود را مصرف‌کننده، ۲۲٪ مصرف‌کننده و تولیدکننده می‌دانند و ۵٪ ادعا می‌کنند که تولیدکننده هستند.

۹ - روابط جوانان با یکدیگر. آیا در تماسهای خود با سایر جوانان به مشکلات روانی یا مادی برخورد می‌کنید؟ آیا ضرورتی برای وجود یک خانه جوانان که بتوانید در آن دور هم جمع شده و در فعالیتهای مورد علاقه خود شرکت کنید، احساس می‌کنید؟ آیا نیازی به راهنمایی شدن توسط مربیان احساس می‌کنید؟ ۶۵٪ می‌گویند که با هیچ مشکلی مواجه نیستند، ۳۵٪ اذعان می‌کنند که به موانع روانی برخورد می‌کنند. در مورد خانههای جوانان، جوابهای منفی اساساً از کشورهای توسعه یافته و جوابهای مثبت از کشورهای در حال توسعه می‌آیند. با وجود این ۶۵٪ جوانان مایلند جایی برای گردهمایی در اختیار داشته باشند. حضور مربیان فقط از سوی ۳۳٪ جوانان، خصوصاً از کشورهای در حال توسعه خواسته شده، ۶۱٪ وجود آنها را بیهوده تشخیص می‌دهند و ۶٪ مردد هستند.

۱۰ - شغل. از شغل خود چه انتظاری دارید؟ آیا شغل شما مانعی در راه شکوفایی شماست؟ کار می‌کنید یا بیکار هستید؟ آیا حتی قبل از اینکه کار کرده باشید احساس بیکاری می‌کنید؟ بسیاری (۶۳۰ مورد در هزار پرسشنامه) از پاسخ به این سؤال امتناع ورزیده‌اند. ۸۰٪ جوانان توقع دارند که شغلشان برای آنها شکوفایی و خوشبختی بیاورد، ۱۰٪ از آن توقع پول دارند، ۹٪ امیدوارند یا آرزو می‌کنند که از طریق شغل خود به دیگران کمک کنند، ۱٪ مطلقاً هیچ چیز خوبی از شغل خود توقع ندارند. ۲۱٪ جوانان فکر می‌کنند که کار یک عامل شکوفایی است، ۳۰٪ فکر می‌کنند که کار وقتی مناسب یا خوشایند نباشد یا آهنگی بیش از حد سریع باشد یا وقتش که فراغت کافی باقی نگذارد، می‌تواند اثر مختل‌کننده‌ای داشته باشد. اکثریت عظیم آنان معتقدند که پاسخ دادن به این سؤال در حال حاضر ناممکن است. در مورد نکته آخر نیز، ۹۳٪ می‌گویند که دانشجویان یا محصلین، ۴٪ کار می‌کنند و ۳٪ بیکار هستند.



Photo © Marcelo Montecino

۱۱ - روابط با بزرگسالان. وقتی اقتدار خانوادگی از میان برود، چه چیز بر جای می‌ماند؟ آیا خانواده از لحاظ ابعاد و نقش آن کوچک شده است؟ عواقب این امر برای اشخاص بزرگسال چیست؟

به این سؤال فقط ۴۳٪ جوابهای کمابیش مختصر داده شده است. ۳۳٪ جوانان فکر می‌کنند که وقتی اقتدار خانوادگی از میان می‌رود هیچ چیز دیگری باقی نمی‌ماند؛ ۲۶٪ معتقدند که در آن صورت آزادی فردی باقی می‌ماند؛ ۲۱٪ فکر می‌کنند که احترام و گناه دوستی باقی می‌ماند؛ ۱۰٪ به احراز اینکه اقتدار خانوادگی از میان رفته اکتفا می‌کنند و ۱۰٪ نیز می‌افزایند که این طور بهتر است.

از سوی دیگر، ۶۲٪ جوانان فکر می‌کنند که نقش خانواده محدود شده و ۳۲٪ نظری مخالف آن دارند. سایرین مرددند.

دربارۀ نکته سوم (کمتر از ۴۰٪ پاسخ)، ۷۸٪ برآند که عواقب امر برای سالخوردگان وخیم می‌باشد (تنهایی، سکونت در نوانخانه، دوری، مشکلات مادی یا معنوی)، ۱۰٪ معتقدند که این امر تغییری در وضع آنان به وجود نمی‌آورد و ۵٪ برعکس معتقدند که این امر برای آنان به صورت آزادی بیشتر بروز می‌کند. ۷٪ جواب دقیق نمی‌دهند.

۱۲ - مسائل اجتماعی. به نظر شما مسائل اجتماعی، مسائل بزرگسالان هستند یا اینکه آنها را جزو مسائل مربوط به خود می‌دانید؟ اگر جواب شما مثبت است، به چه مسئله‌ای اولویت می‌دهید؟ بزهکاری، اعتیاد، برابری زن و مرد، ناسازگاری کودکان، جوانان روستایی، مسکن، سالخوردگان، مسائل انسانی، روابط پسرولتاریا و بورژوازی.

مسائل انسانی، مهمترین مسائل به نظر می‌رسند (۲۰٪). پس از آن، بزهکاری (۱۵٪)، مسکن (۱۳٪)، برابری زنان و مردان (۱۲٪)، ناسازگاری کودکان (۱۲٪)، اعتیاد (۱۲٪)، روابط پسرولتاریا و بورژوازی (۵٪) و جوانان روستایی (۱٪) قرار دارند.

۱۳ - پیشرفتهای علم و فن. درباره کاربرد پیشرفتهای علمی و فنی در دنیای کنونی چه نظری دارید؟

برای جوانان، که بسیاری از آنان بدستی مشارکت خویش در امور عامه را به صورت کمک به آموزش در نظر می‌آورند، مسئله بیسوادی لاینحل به نظر نمی‌رسد. در تصویر بالا، یک جلسه سوادآموزی در یک اردوگاه پناهندگان در سالوادور.

پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم



طبق نتایج نظر خواهی ما، اکثر جوانان اوقات فراغت خویش را خصوصاً به صورت گروهی، صرف ورزش می کنند. در تصویر بالا، یک مسابقه دوچرخه سواری در جمهوری فدرال آلمان.

هیچ پاسخی پیشرفت علمی را صریحاً مثبت نمی داند. ۱۵٪ جوانان مخالف هرگونه پیشرفتی هستند، ۶٪ آن را به تمام بدبیا (جنگ، بدمب اتمی، آلودگی محیط زیست، بیکاری) متهم می سازند، ۷۹٪ پیشرفتها را خصوصاً در زمینه تحقیق پزشکی تأیید می کنند؛ در مورد تمام کاربردهای دیگر علوم و فنون جوانان ابراز بدبینی بسیار می کنند.

۱۴ - تفریحات، تفریحات مورد علاقه شما کدامند؟ هنر، مطالعه، سینما یا تلویزیون، ورزش. تفریحات خود را انفرادی انجام می دهید یا گروهی؟ ورزش در وحله اول قرار دارد (۵۷٪)، بعد از آن مطالعه، سینما و تلویزیون قرار دارند. هنرها؛ از جمله موسیقی، با فاصله زیاد به دنبال می آیند. ۴۳٪ تفریحات گروهی دارند، ۴۰٪ به اقتضای نوع تفریحات آنها یا با گروه هستند، ۱۷٪ ترجیح می دهند تنها باشند.

۱۵ - مد، آیا مد به معنای همراهی با زمانه است؟ آیا مد به معنای «همرنگی با مردم» است؟ آیا مد گونه‌ای از پیشرفت است؟ ۵۱٪ جوانان معتقدند که مد به معنای «همراهی با زمانه» است. برای ۲۸٪ به معنای «همرنگی با مردم» است و تنها برای ۲۰٪ گونه‌ای از پیشرفت می باشد. برای برخی، تبعیت از مد دلیل شخصیت و آزادی است؛ برای بقیه نوعی از انواع مصرف و یک اسارت است.

۱۶ - غالباً می گویند که جوانان اندیشه‌ای ندارند، تنها آرزوهایی در سر می پرورانند. نظر شما چیست؟ ۱٪ مردم هستند، ۱۱٪ به بزرگسالان حق می دهند. در عوض ۸۸٪ می گویند که اندیشه‌ها و آرزوهایی دارند و بسیار چیزهای دیگر که بزرگسالان ندارند، می گویند که حتی غالباً بیش از بزرگسالان اندیشه و حتی نبوغ دارند اما فکر می کنند که جامعه که به وسیله بزرگسالان و برای بزرگسالان ساخته شده نمی گذارند که جوانان عقاید خود را بیان کنند و از آن مهتر، بدان تحقق بخشند. ■